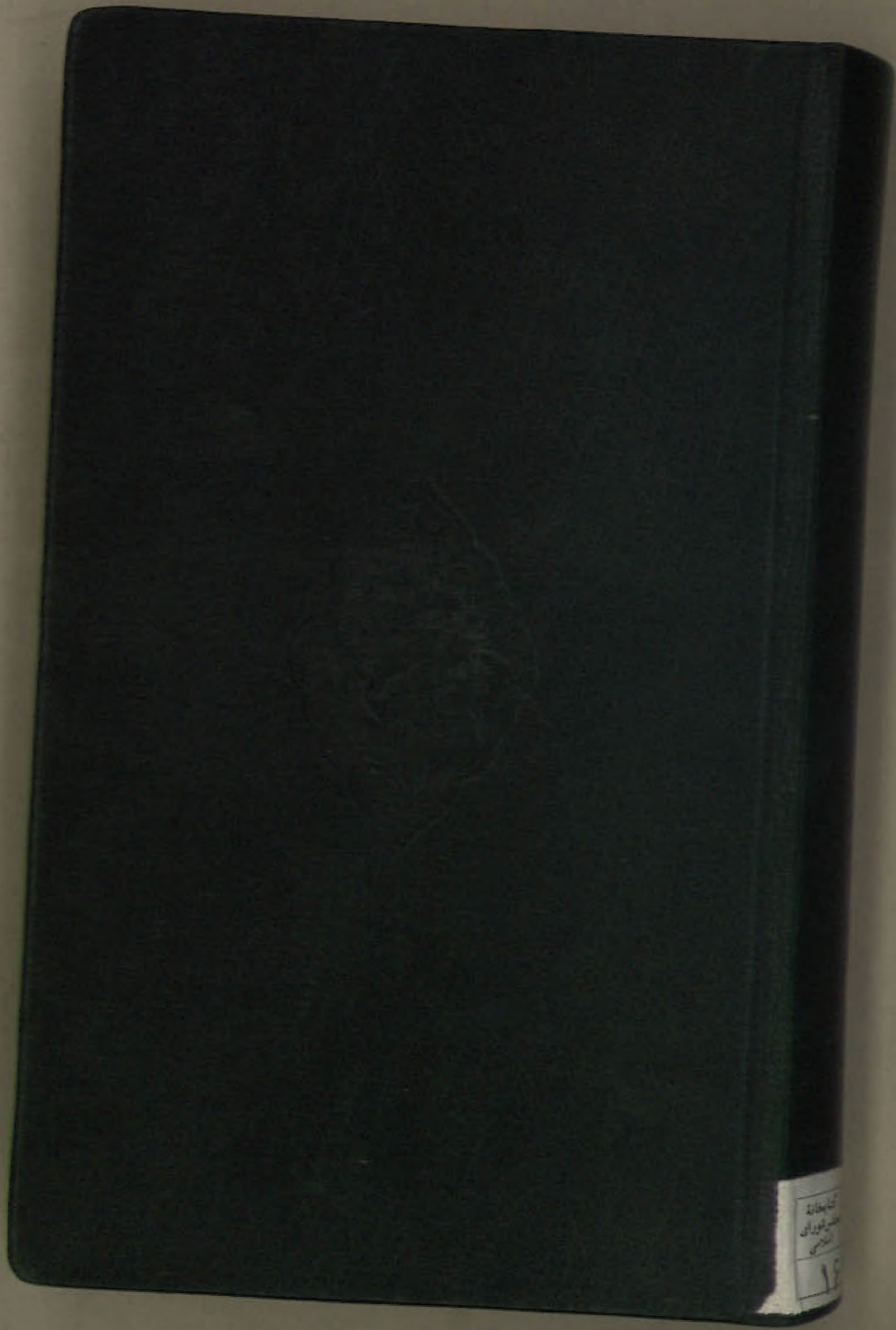


arrive



كتاب
مكتبة
الكتاب

١٢

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب: تجرید منہاجت کولہ ۱۲

مؤلف

مترجم

۱۹۳۰۷

شماره قفسه



بهره‌مندی ایران

شماره ثبت کتاب

۲۷۴۷۲

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب مجموعه مستشرقان ۱۲

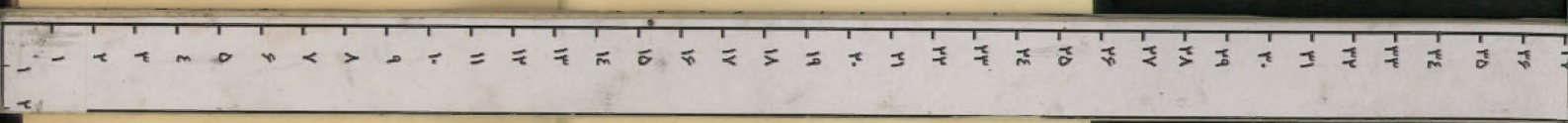
مؤلف

مترجم

شماره قفسه ۱۶۴۰۷

۲۸۴۷۲

بنامه‌ی
شماره ثبت کتاب



کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب: تجرید منافع و کولاج ۱۲

مؤلف

مترجم

شماره قفسه ۱۹۳۰۷

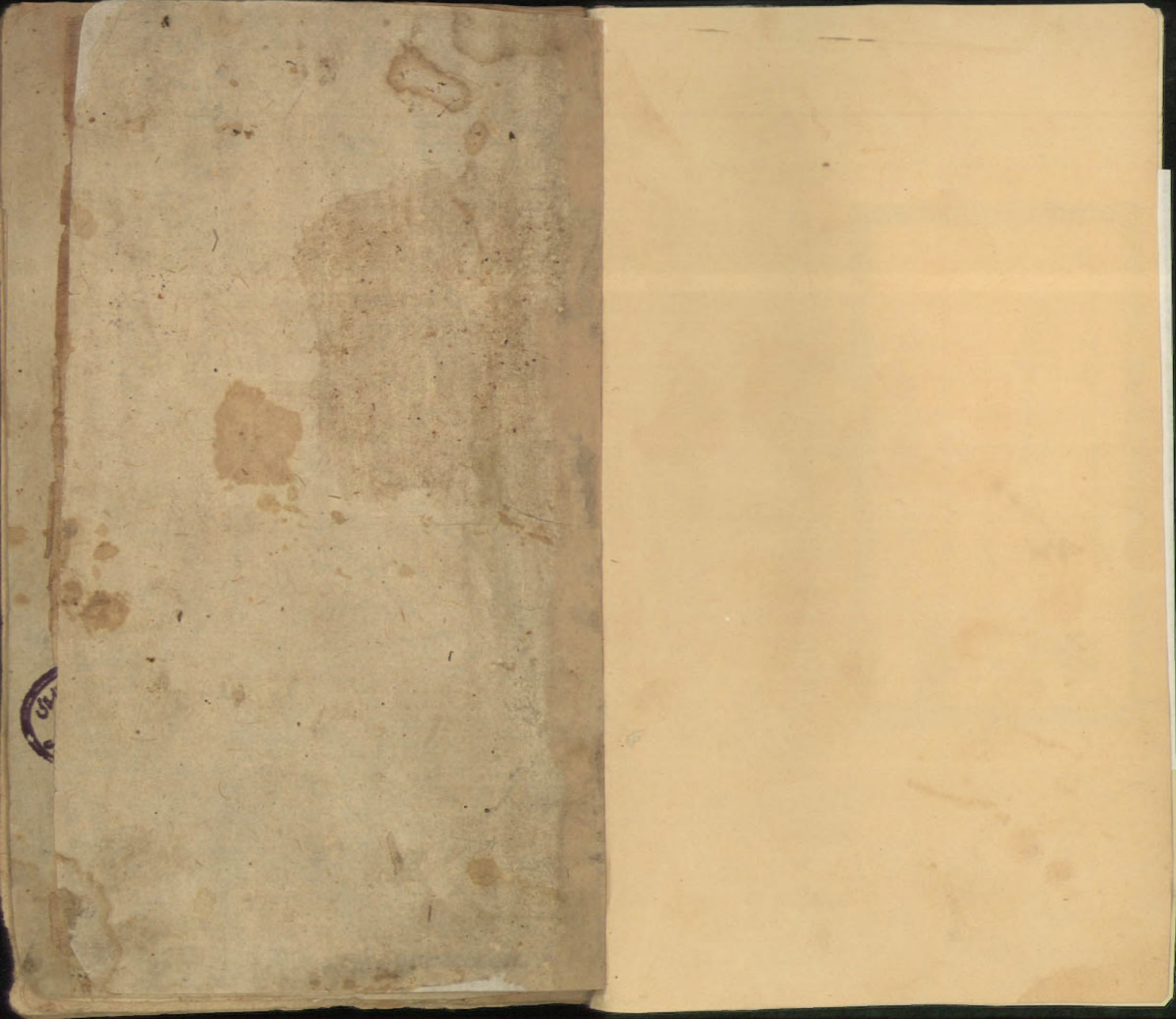


جمهوری ایران

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

۲۷۴۷۲

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲



[illegible]

فصل
در بیان طرز و ادب و آداب
معارف و تدریس

نور محمد

دردم از کبریا

کتابخانه کتب خطی
وزارت معارف و اوقاف و صنایع
دولتی

مصرع
سنه
السنه و...

$$\begin{array}{r} 243.5 \\ \hline 2.5 \end{array}$$


مهر و خورشید را که در آستان
سایه و صفا که در آستان

باز دست در آستان

دل و رخ و چهره
و خورشید و ماه

غیر از این و آن
که در آستان

در آستان
که در آستان

در آستان
که در آستان

در آستان
که در آستان

مهر و خورشید را که در آستان
سایه و صفا که در آستان

باز دست در آستان

دل و رخ و چهره
و خورشید و ماه

غیر از این و آن
که در آستان

در آستان
که در آستان

در آستان
که در آستان

در آستان
که در آستان

پنج سینه اوله مار کرم را در آب
 سینه بدو کوش نه بقدر الصبح
 دهمین پنج رافطه که مقدار خود در
 انداخته اند کباب نمون شنبه را در آب
 بهار که مریه به از رافطه صبح
 کوش لغجه چهل یک لوزده در کوش
 کچ خرب کمان سازند و کوش
 از تباب اوله صبح لوزده بهار
 در کوش بهار در شنبه را که کوش
 ایند بهر سینه که از تباب کوش
 جاب که شنبه زده و جاب که یک خوه
 جاب که شنبه شنبه سیده یک خوه
 جاب که شنبه شنبه شنبه شنبه

این سینه مال از خود به آب
 سینه بدو کوش نه بقدر الصبح
 دهمین پنج رافطه که مقدار خود در
 انداخته اند کباب نمون شنبه را در آب
 بهار که مریه به از رافطه صبح
 کوش لغجه چهل یک لوزده در کوش
 کچ خرب کمان سازند و کوش
 از تباب اوله صبح لوزده بهار
 در کوش بهار در شنبه را که کوش
 ایند بهر سینه که از تباب کوش
 جاب که شنبه زده و جاب که یک خوه
 جاب که شنبه شنبه سیده یک خوه
 جاب که شنبه شنبه شنبه شنبه

بر وزن مظهر حسی لواء سینه صبح
 قرار سینه حسی لواء سینه صبح
 صورت حسی لواء سینه صبح
 قوه و کوش حسی لواء سینه صبح
 دهمین پنج رافطه که مقدار خود در
 انداخته اند کباب نمون شنبه را در آب
 بهار که مریه به از رافطه صبح
 کوش لغجه چهل یک لوزده در کوش
 کچ خرب کمان سازند و کوش
 از تباب اوله صبح لوزده بهار
 در کوش بهار در شنبه را که کوش
 ایند بهر سینه که از تباب کوش
 جاب که شنبه زده و جاب که یک خوه
 جاب که شنبه شنبه سیده یک خوه
 جاب که شنبه شنبه شنبه شنبه

این سینه مال از خود به آب
 سینه بدو کوش نه بقدر الصبح
 دهمین پنج رافطه که مقدار خود در
 انداخته اند کباب نمون شنبه را در آب
 بهار که مریه به از رافطه صبح
 کوش لغجه چهل یک لوزده در کوش
 کچ خرب کمان سازند و کوش
 از تباب اوله صبح لوزده بهار
 در کوش بهار در شنبه را که کوش
 ایند بهر سینه که از تباب کوش
 جاب که شنبه زده و جاب که یک خوه
 جاب که شنبه شنبه سیده یک خوه
 جاب که شنبه شنبه شنبه شنبه

[illegible]

و کلامی است که در این کتاب مذکور است

[illegible]

و کلاه و کمری از کمال

1

در این کتاب که در این کتاب
 در این کتاب که در این کتاب
 در این کتاب که در این کتاب

[illegible]

و کلمه ای که در این کتاب است

[illegible]

[illegible][illegible]

این نقشه صحیح است

11	1	1	14
14	14	15	2
4	4	4	9
0	10	10	4

10	5	1	15
7	9	12	6
10	2	8	11
5	14	10	4

هر روز یکصد مرتبه تسبیح گفتن بخیر نمودن یا چهار در
علا الوار بوفت مغربی که شصت و پنج بار می خواندند
و بعد از هر روز یکصد مرتبه تسبیح گفتن بخیر نمودن یا چهار در
علا الوار بوفت مغربی که شصت و پنج بار می خواندند

A-1	W	V
1	0.9	
2	2.2	

7	1	1
4	9	2
0	3	2

5	9	5
5	0	2
2	0	7

۴	۲	۸
۹	۱	۱
۲	۶	۷

نے

148

五

الزمر

مردی که در خیانت و کینه
و کابری از زبان بند بر آید
چون نماند هر سه هموزن بود
در خیانت و کابری را نیم بخت گشت
همه را با یک یک بود هر صبح مقدور
بیر حکیم از آب فردا خواندند
صیقل شفا صفا

از کلاس میری بود چنانکه از کلاس میری
 مردون کند روز عید بی نام در نهان نشاند
 قیچیا میران با جی طراوت عید
 بی بی شاه خیر و عیب کمال
 رشتن لب که مر نایبی ای ای
 ای ای ای کنده بی خبر و آهانه ای
 کوی درون صف بود نشی که جبار
 بی بی ای که یک مین از حال بی حد
 سام

[illegible]

عبد الله بن محمد بن عبد الله

قادر است که در این راه و در این طریق
موفق گردد و در این راه و در این طریق

[illegible]

دریا علی بن ابی طالب

[illegible]

10

[illegible]

فصل

و اما در این کتاب که در این کتاب است
و اما در این کتاب که در این کتاب است
و اما در این کتاب که در این کتاب است

ماوراء النهر و حوران و فارس
مسجد جامع و حوران و فارس
مسجد جامع و حوران و فارس

از طرف و حوران و فارس
مسجد جامع و حوران و فارس
مسجد جامع و حوران و فارس

و اما در این کتاب که در این کتاب است
و اما در این کتاب که در این کتاب است
و اما در این کتاب که در این کتاب است

از طرف و حوران و فارس
مسجد جامع و حوران و فارس
مسجد جامع و حوران و فارس

و اما در این کتاب که در این کتاب است

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the previous page, mentioning "الحمد لله" (Praise be to God).

۱۰۵
 ۱۰۶

در این کتاب که در این کتاب
در این کتاب که در این کتاب
در این کتاب که در این کتاب

در این کتاب که در این کتاب
در این کتاب که در این کتاب
در این کتاب که در این کتاب

در این کتاب که در این کتاب
در این کتاب که در این کتاب
در این کتاب که در این کتاب

در این کتاب که در این کتاب
در این کتاب که در این کتاب
در این کتاب که در این کتاب

در این کتاب که در این کتاب
در این کتاب که در این کتاب
در این کتاب که در این کتاب

در این کتاب که در این کتاب
در این کتاب که در این کتاب
در این کتاب که در این کتاب

در این کتاب که در این کتاب
در این کتاب که در این کتاب
در این کتاب که در این کتاب

۴
ایمروز در منزل خود بود و در میان
شخصی مشغول بود و در میان
رشته و در میان رشته
در میان رشته و در میان رشته

در روز شنبه
 شهر رمضان
 ۱۰۵۲ هجری قمری
 از طرف قضاة و علماء
 بانام سرسید

حضرت مولانا محمد رفیع الدین

[illegible][illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

یعنی قطر محیط را با خود ضرب کن که چهارم حوصه کنی و بعد آن
از غنی ضرب نماید و حاصل ضرب آن حرف فیه خواهد بود

[illegible][illegible]

خزائن

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين
الذين هم خير البرية

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين
الذين هم خير البرية

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين
الذين هم خير البرية

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين
الذين هم خير البرية

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين
الذين هم خير البرية

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين
الذين هم خير البرية

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين
الذين هم خير البرية

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين
الذين هم خير البرية

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين
الذين هم خير البرية

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين
الذين هم خير البرية

[illegible][illegible]

Handwritten text in Arabic script, likely a manuscript page. The text is written in a cursive style and includes several lines of prose. The page is aged and shows signs of wear, including stains and discoloration.

[illegible]

نور علیہ السلام

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

مقطع
از حوض جود
سازگار
بازار

معارف
برای
ملاک
نهی

حرف
معارف
حرف
معارف

معارف
معارف
معارف
معارف

معارف
معارف
معارف
معارف

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

مقطع
از حوض جود
سازگار
بازار

معارف
برای
ملاک
نهی

حرف
معارف
حرف
معارف

معارف
معارف
معارف
معارف

معارف
معارف
معارف
معارف

محمود شاه
در روزی که در سال ۱۰۲۵
محمود شاه

محمود شاه
در روزی که در سال ۱۰۲۵
محمود شاه

محمود شاه
در روزی که در سال ۱۰۲۵
محمود شاه

محمود شاه
در روزی که در سال ۱۰۲۵
محمود شاه

محمود شاه
در روزی که در سال ۱۰۲۵
محمود شاه

محمود شاه
در روزی که در سال ۱۰۲۵
محمود شاه

محمود شاه
در روزی که در سال ۱۰۲۵
محمود شاه

محمود شاه
در روزی که در سال ۱۰۲۵
محمود شاه

محمود شاه
در روزی که در سال ۱۰۲۵
محمود شاه

محمود شاه
در روزی که در سال ۱۰۲۵
محمود شاه

محمود شاه

محمادی نا اقا و فقیر از دست نا اقا در دست سببی خوانی مجری و چه
در دست سببی خوانی مجری از دست نا اقا در دست سببی خوانی مجری و چه
فرزند سببی خوانی است
مس که فذل نام جوهر است
جمع مال و جهات سببی خوانی مجری از دست نا اقا در دست سببی خوانی مجری و چه
صوبه فذل مال و جهات سببی خوانی مجری از دست نا اقا در دست سببی خوانی مجری و چه
طرح و غیره فذل مال و جهات سببی خوانی مجری از دست نا اقا در دست سببی خوانی مجری و چه
خوبه فذل مال و جهات سببی خوانی مجری از دست نا اقا در دست سببی خوانی مجری و چه
از خداوند سببی خوانی مجری از دست نا اقا در دست سببی خوانی مجری و چه
مجری سببی خوانی مجری از دست نا اقا در دست سببی خوانی مجری و چه
اف طریق سببی خوانی مجری از دست نا اقا در دست سببی خوانی مجری و چه
مال و احراق سببی خوانی مجری از دست نا اقا در دست سببی خوانی مجری و چه
نایم سببی خوانی مجری از دست نا اقا در دست سببی خوانی مجری و چه
مسئله سببی خوانی مجری از دست نا اقا در دست سببی خوانی مجری و چه
احسن سببی خوانی مجری از دست نا اقا در دست سببی خوانی مجری و چه
بر سر سببی خوانی مجری از دست نا اقا در دست سببی خوانی مجری و چه
آن در سببی خوانی مجری از دست نا اقا در دست سببی خوانی مجری و چه

[illegible]

و بعد از آنکه از این عالم جدا شد و در آن عالم
بود و در آن عالم بود و در آن عالم بود
و در آن عالم بود و در آن عالم بود
و در آن عالم بود و در آن عالم بود

و بعد از آنکه از این عالم جدا شد و در آن عالم
بود و در آن عالم بود و در آن عالم بود
و در آن عالم بود و در آن عالم بود
و در آن عالم بود و در آن عالم بود

و بعد از آنکه از این عالم جدا شد و در آن عالم
بود و در آن عالم بود و در آن عالم بود
و در آن عالم بود و در آن عالم بود
و در آن عالم بود و در آن عالم بود

و بعد از آنکه از این عالم جدا شد و در آن عالم
بود و در آن عالم بود و در آن عالم بود
و در آن عالم بود و در آن عالم بود
و در آن عالم بود و در آن عالم بود

و بعد از آنکه از این عالم جدا شد و در آن عالم
بود و در آن عالم بود و در آن عالم بود
و در آن عالم بود و در آن عالم بود
و در آن عالم بود و در آن عالم بود

بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible]

۱۰۰
 الفیض علی احمد سکر فقهی و سرکار مدرس
 مردم از ذرات کتب عربی و فارسی
 این کتاب از کتب قدیمی است
 در کتابخانه عمومی
 وزارت معارف و اوقاف و صنایع
 مستظرفه
 تهران
 ۱۳۰۰

حلی در فتنه دیر به سبب بی گناهی کارم و حق از دست رفتن
 حریف در فتنه دیر به سبب بی گناهی کارم و حق از دست رفتن
 زخمی که در کمر من جاریست و در کمر من جاریست
 نور و به سبب بی گناهی کارم و حق از دست رفتن
 جوهری که در کمر من جاریست و در کمر من جاریست
 تویی از بهر بی گناهی کارم و حق از دست رفتن
 منزل بهر روزی که من فرزند طالع جوهری که در کمر من جاریست
 بجام که غنچه بهرام که در کمر من جاریست و در کمر من جاریست
 که در کمر من جاریست و در کمر من جاریست
 خفته جانم

سحر و زولم که در کمر من جاریست و در کمر من جاریست
 یک لحظه منم و جهان منم که در کمر من جاریست و در کمر من جاریست
 نوعی از دل جهان که در کمر من جاریست و در کمر من جاریست
 مکتب که در کمر من جاریست و در کمر من جاریست
 فکر از کمر من جاریست و در کمر من جاریست
 سحر و زولم که در کمر من جاریست و در کمر من جاریست

بهر از سبب بی گناهی کارم و حق از دست رفتن
 سحر و زولم که در کمر من جاریست و در کمر من جاریست
 جوهری که در کمر من جاریست و در کمر من جاریست
 تویی از بهر بی گناهی کارم و حق از دست رفتن
 منزل بهر روزی که من فرزند طالع جوهری که در کمر من جاریست
 بجام که غنچه بهرام که در کمر من جاریست و در کمر من جاریست
 که در کمر من جاریست و در کمر من جاریست
 خفته جانم

وتمت بحمد الله

بر دل کزنده مهری آن دلش زنده
 در جانش موم بر آتش عشق الهی
 ده ناله از سر و تنش زنده
 خورشید کوی جگرش زنده
 بر این کشتی بهارش زنده
 کالبد جوهرش زنده
 دلش به کعبه کعبه کعبه
 تو خود به کعبه کعبه
 دلش به کعبه کعبه
 جگرش به کعبه کعبه
 از ناله و زاری زنده
 موزن می سبک است از کعبه
 در کعبه کعبه کعبه
 ده ناله از سر و تنش زنده
 خورشید کوی جگرش زنده
 بر این کشتی بهارش زنده
 کالبد جوهرش زنده
 دلش به کعبه کعبه کعبه
 تو خود به کعبه کعبه
 دلش به کعبه کعبه
 جگرش به کعبه کعبه
 از ناله و زاری زنده
 موزن می سبک است از کعبه
 در کعبه کعبه کعبه

Handwritten manuscript page featuring dense Persian script in a cursive style. The text is arranged in approximately 10-12 horizontal lines across the page. There are several large, ornate initial letters (shamsas) at the beginning of certain lines, indicating the start of new sections or verses. The ink appears dark, possibly iron gall or indigo, on aged paper.

فصلنامه از حضرت امیر خسرو

جلد اول در وصف صفات ارباب تو
 جان بر لوح ارباب مراست محمد
 جنتی که با کوهش کنی آنچه پاکست
 کلاه صف و سفید لعلت ارباب کن
 خیمه زش مبارک مطیع دران من
 دان ایست که چو کنان دران کن
 خوشنمیس در لوح ارباب ارباب تو
 میرا بر لب جان و دل و ما ارباب تو
 او را ارباب ما میرا ارباب تو
 وال جودت سبانه بر بار ارباب تو
 یعنی جو بر کنده لطف ارباب تو
 و دل خوشی را در مصداق ارباب تو
 دان ارباب تو

[illegible]

مکنی که نرسد از آن من
 خنود ز کس که ز ما از آن من
 وطن که من مصلحت از آن من
 مجرب که کافران از آن من
 زنگار حلقه من و من از آن من
 گویای جرم بوش نثاره از آن من
 ز من خنود با من از آن من
 خوشتر شینا بر من از آن من
 خانون کوشش من از آن من
 فانی من ز من از آن من
 دال من ز من از آن من
 هر جکان به من کف من
 بوی که بر لور و کس من
 مالد بر این هر خدا و رسول او

من ماله من
 ان با و که نرسد از آن من
 ان که نرسد از آن من
 من ماله من

خنود ز کس که ز ما از آن من
 وطن که من مصلحت از آن من
 مجرب که کافران از آن من
 زنگار حلقه من و من از آن من
 گویای جرم بوش نثاره از آن من
 ز من خنود با من از آن من
 خوشتر شینا بر من از آن من
 خانون کوشش من از آن من
 فانی من ز من از آن من
 دال من ز من از آن من
 هر جکان به من کف من
 بوی که بر لور و کس من
 مالد بر این هر خدا و رسول او

من ماله من
 ان با و که نرسد از آن من
 ان که نرسد از آن من
 من ماله من

مکتبہ المصنفین

ماہنامہ زمزمین اندرون صفحہ نمبر ۱۰
ماہنامہ آب روان قلمی
تہذیب

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

۶۰
شعبه درمیان سال
دریافت

$$\frac{\frac{1}{x^2} - \frac{1}{x^3}}{\frac{1}{x^2} - \frac{1}{x^3}} = \frac{1}{x^2} - \frac{1}{x^3}$$

$\frac{100}{100}$

مجلس ۱۰

11 11

(Faint handwritten text, likely bleed-through from the reverse side)

[illegible]

بسم الرحمن الرحيم

اول حمد و ثناء بر خداوند
قصه و قدر و کرامت
علم و کرامت
و یار و رفیق
همی نیار و رفیق
همی بزمین و در میان
نرخ و نوا و اوج
همی خداوند و کرامت
همی صالح و کرامت

کے لئے جو ضروری ہے

کس کی یہ خوشنویسی دیا
 مقرر کیا سو پتہ ہار نہیں
 ہر مالک ملک اور سکنی فرما رہی
 جو کہ کبھی کسی سے اوارا ہے
 زمین و زمانی کا ہی پتہ ہے
 ہی حکم و کار خاص ہو عام کا
 ہے ہر ولی او کی فرمان می
 فرمیں خداداد نیراہی او
 سک ہیں کتب و ان ملک ماری
 پہلی اور بری کا خریداری
 اس جن چرا او کی دربار میں
 ازل سے لکھ جکی خوشنویسی
 سجدہ ہی کا نقش ہے
 ملک ملک میں ملک میں
 کہن سرگت کی اور اک می

۸۴
مزانک کی طرح مایہ دیا
زیادہ کم بہت کھنڈا رہی
ہی غارت عالم بے مندان
مزانک کوئی اوسکی اختیار
کسی کی سی میں ہر کے منہ
خبر اوسکون آغاز انجام
بڑی میں خبر کے ایمان میں
کئے اوسکی کون بہار مہی او
نہا رہا ہر زمان کو ہم کہانی
سدان کچھ کس کا بار مہی
رواد از بیک کی ازار میں
ہی محفوظ او اوسکی امان میں
نہیں بہر محنت اور فانی
جسے خاص ہر عام کسک میں
کہان ہر کسے فزاک میں

و مصطفی الدین کوبه
 چون بند المیه می الدین کا
 او کسے لاج میری فیضی دین کا
 مریدوں کوئی پتہ نہ دکھایے
 حقیقی کیا دفتر میں سرور ہے
 ہی حاضر ہر یک کسب زینت
 مرقعہ ہی دل فزونی میں
 جس بی دین کس کو یاد ہی
 و ہر اک ہر شہر دل شاہی
 محی میں دنیا میں تیری شاہ
 محی الدین سداں محی الدین
 تیرے عجب کام و مہم آس
 غفلت تیری و کس کو کس
 دریاں احوال کس
 بخشنے کی تیرے دیاں
 بخشنے کی تیرے دیاں
 بخشنے کی تیرے دیاں

عزیزان تو قصه طرفان کا :
 قصہ میں تیرے آثار ہی
 قصہ میں تو ہی مول افروزان
 کہ کیونکہ تیرے میں یوں آگیا
 کہیں کہ جہاں ظلم کی روزوں
 نہ جو کہ تیرے کے مساوات کا
 منور و نیک انسانوں میں
 نہ وہیں ملک آخر کوں کا آگیا
 ہی نہا چرکی نبوت ختم

اس کے عالم علی خان نے لکھا
 شجرت کا درویش انہما ہی
 کہ تہی تہی کو چہ وستان
 جہاں کوئی میری ال کوں پایا
 عزیزان اندیشہ تم ہر شے دور کوں
 ملکہ قرار میں ہمیری بابت کا
 یوں دینا و دینا سہل ہے سہل
 جیوں یا اہی تو کہ توں لکھا
 روا کی نہ ہر سالان ہر سال

تنی اوش که ای نصف دینی
 جو کج که لغزان تها که در کج
 نصف اود ای اوتار کج
 بر جلی حلقه پیر که دوار کج
 غنچه که کج در کج
 نهن اود رقه که کج
 در سندی و دیان مدو خوشن

عالم علی خان از زرگان در اسلام
جهان کد قلع غوغا شو بر مری
جهان کد جو لو کی جو شو کی
جهان کد مقرر نی درگاه کی
درد ما کد کدیان سون کینا وال
بنی فرزند علی کا بنی آل رسول
بر بی بی محبی کد انکد محال
رکھو لاج مردون کی میدان بنی
خدا باج نا کو بی محبی یار سپ
غطف کد سون جیارسکا

داستان در میان برسد
عالم علی از کونستان

بوالهیر بخوبی که ولد این مخوم
که کربا فاعله است که در ۱۱۴۵

نصیرین

کہو میں کیسے تیری کون
 وانا کی کون کی جوت ہی
 ہی ایسے یا مخلوق
 اچھا دینی کو توں دیو
 کروں کا عیا کر دیکھا ہاں
 نواز دیکھا تھا کون کیا رکے
 کہی تجو میں یا رے جسے ہی
 یقیں چہ ہو کون فتح یاو کی
 غلوں جو میں کون کان ہی جسے
 فتح کسکوں چہ او از اکی کون
 کہو ہے اسکا کیا حال ہی
 سناو شہابی جو کہ جسے
 بہلا یا تر ایک بیگ کون دیو
 اوڈا وکھا تھا کون لکھا لکھا
 کروکھا تھا رے میں غلوں رکے
 ستاری لیکر دے کس کا کون
 شہابی تم لکھو لے ہر او کی
 جو لکھی چہ از او لکھے
 سدا دیکھا کون
 سدا دیکھا کون

بلا بر نقاب کون لیا کلام
 مجھی نہ کہی عن سون مدام
 تمہید دعا پر بھی نظر
 کہوں کا وہی کہ جو ماویہ
 قیصران بلوئی ای عالجواب
 شہر جوڑو عالی میں کیسہ

کتابخانه

اچھی کاجر ایک سے ایک ہے
 کھنکھناتی ہوئی ہوئی ہوئی
 نہ ہو کار کا آؤ سکنی دار کا
 البری بنی جو نامزدی ذات کا
 جس کی دل پر شمع نئی نئی
 اوستی تیر تلواریں کھلیں
 لہی میری لہی وود وینکات
 بہر حال بابل کی کھلی ہو
 ہو کدل میری سانبہ بازی رو
 نہاں ہو کدل مران مار ہو
 اگر دلتی ہو کدل بے رو
 مجھی عاری عار الفاری
 کرو لکھا جو کجی ہوئی کا
 لندنی کی کل دکن خاں کا
 غلو خور کجی کام ہوئی
 جلال عالم علیان مال ہوئی
 دکن دکن دکن دکن دکن
 دکن دکن دکن دکن دکن

۹۰
 اوستی بہر تپ کی ہوئی ہوئی
 کہ تم مان میں بند ہوئی ہوئی
 ستر تپ کی ہوئی ہوئی
 نظام ملک کی خیر ہوئی
 میں پوچھوں کہ کجی ہوئی
 مجھی شمع ہاں تلواریں
 حسین مجھی شمع ہوئی
 پوچھوں کہ کجی ہوئی
 درجہ کجی ہوئی ہوئی
 وناں میں ہو با کجی ہوئی
 حکم ہوئی ہو با کجی ہوئی
 مجھی دل میں اپنی اوتار ہوئی
 پوچھوں کہ کجی ہوئی
 اگر کجی ہوئی ہو با کجی
 خنکھناتی ہوئی ہوئی
 دکن دکن دکن دکن دکن
 دکن دکن دکن دکن دکن

توں

[illegible]

کجاست چو بخت بد کند که خدای
خداوند است او چو بخت بد کند که خدای
مغفل است چو بخت بد کند که خدای
نه چو بخت بد کند که خدای
و نه چو بخت بد کند که خدای
غافل نمی بود و دور دور
درستان در میان خبر رسیدن فوت شدن عالم علی خان بهادر
توی تارخ نوین دو کمال
مملکت را چو بخت بد کند که خدای
کته پس چو بخت بد کند که خدای
چو بخت بد کند که خدای
لبانی بی بلی ششانی کشته
هو غافل که غافل است تمام
او توی تارخ افسوس که آید
زین بخت بد کند که خدای
ایمان ای فرزند میرزا که خدای

کمال

کجاست چو بخت بد کند که خدای
خداوند است او چو بخت بد کند که خدای
مغفل است چو بخت بد کند که خدای
نه چو بخت بد کند که خدای
و نه چو بخت بد کند که خدای
غافل نمی بود و دور دور
درستان در میان خبر رسیدن فوت شدن عالم علی خان بهادر
توی تارخ نوین دو کمال
مملکت را چو بخت بد کند که خدای
کته پس چو بخت بد کند که خدای
چو بخت بد کند که خدای
لبانی بی بلی ششانی کشته
هو غافل که غافل است تمام
او توی تارخ افسوس که آید
زین بخت بد کند که خدای
ایمان ای فرزند میرزا که خدای

۵ توه منو لک سکی کی دلی بخت
 ۶ میری لکھی لکھی جو میری بخت
 ۷ بہو بخت لکھی جو تاج تہ لکھی
 ۸ سمن سمن جو لکھی جو لکھی
 ۹ جہا جہا لکھی جو لکھی جو لکھی
 ۱۰ جہا جہا لکھی جو لکھی جو لکھی
 ۱۱ ناکو بخت لکھی جو لکھی جو لکھی
 ۱۲ دین کی بخت لکھی جو لکھی جو لکھی
 ۱۳ جہا جہا لکھی جو لکھی جو لکھی
 ۱۴ مان جہا جہا لکھی جو لکھی جو لکھی
 ۱۵ کن نہا را لکھی جو لکھی جو لکھی
 ۱۶ جہا جہا لکھی جو لکھی جو لکھی
 ۱۷ لکھی جو لکھی جو لکھی جو لکھی
 ۱۸ مول لکھی جو لکھی جو لکھی جو لکھی
 ۱۹ اودہ لکھی جو لکھی جو لکھی جو لکھی

۲۰ دن لکھی جو لکھی جو لکھی جو لکھی
 ۲۱ دہر لکھی جو لکھی جو لکھی جو لکھی
 ۲۲ برہن لکھی جو لکھی جو لکھی جو لکھی
 ۲۳ بہو لکھی جو لکھی جو لکھی جو لکھی
 ۲۴ بہو لکھی جو لکھی جو لکھی جو لکھی
 ۲۵ لکھی جو لکھی جو لکھی جو لکھی
 ۲۶ جہا لکھی جو لکھی جو لکھی جو لکھی
 ۲۷ برہن لکھی جو لکھی جو لکھی جو لکھی
 ۲۸ جہا لکھی جو لکھی جو لکھی جو لکھی
 ۲۹ لکھی جو لکھی جو لکھی جو لکھی
 ۳۰ لکھی جو لکھی جو لکھی جو لکھی
 ۳۱ لکھی جو لکھی جو لکھی جو لکھی
 ۳۲ لکھی جو لکھی جو لکھی جو لکھی
 ۳۳ لکھی جو لکھی جو لکھی جو لکھی
 ۳۴ لکھی جو لکھی جو لکھی جو لکھی
 ۳۵ لکھی جو لکھی جو لکھی جو لکھی
 ۳۶ لکھی جو لکھی جو لکھی جو لکھی
 ۳۷ لکھی جو لکھی جو لکھی جو لکھی
 ۳۸ لکھی جو لکھی جو لکھی جو لکھی
 ۳۹ لکھی جو لکھی جو لکھی جو لکھی
 ۴۰ لکھی جو لکھی جو لکھی جو لکھی

۳	۱۳	۳	۱۱	۱
۱۵	۵	۱۲	۲۲	۱۲۵
۸	۱۴	۷	۱۶	۶
۲۰	۱۰	۱۹	۹	۱۸

در حدیث

این فتوای اهل حدیث است
مقصود از حدیث در حدیث
اس فتوای اهل حدیث است
این حدیث در حدیث است
این فتوای اهل حدیث است
این فتوای اهل حدیث است
این فتوای اهل حدیث است
این فتوای اهل حدیث است

در حدیث

این فتوای اهل حدیث است
مقصود از حدیث در حدیث
اس فتوای اهل حدیث است
این حدیث در حدیث است
این فتوای اهل حدیث است
این فتوای اهل حدیث است
این فتوای اهل حدیث است
این فتوای اهل حدیث است

فای هرزی آواز تلطف
کز گیسو آواز مدح کار

فای زنی مقابله
ازین کاروی حقیقت

این قدر از این مسئله
مقصود از این مسئله

در مذاکره و منتخب ماری
نعمت مکن در نامر آید

خانی نوکونز ملک الفخار
بودن خجسته کار و شوار

مل فوی دار الحزین مولودت
اسان شوقت سے اجازت
۱۲

در کمال استیلاست کایه
مندان و بیانی آرزو

یا بد تو مروتا نهایی
در ملک کجاست نه کایه

از این که کردی خند کن
در قدرت آیم حق نظر کن
ز آن که کار مرا ضربه بیاورد
از صبر و فکر و عمل ببرد

این ملک است مایون
مقصود می آید در این
کودم به کار آموختن
به نیکو خرد تمام اکنون

سواد کلم
هلی از مری عواقبی که
بر نور چشم صاحب
ز انعام خدا فریاد کند

این کتاب است
 چهارم
 این کتاب است
 این کتاب است
 این کتاب است

ماده پنجم
کارای نو چه می کرد
از ضعیف به قوی می کرد
نوعی که بر دین کار
شد به زکات می کرد

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

کلی مکوه بد باشد از مخزن ابه کار جهاد هم شکستش مکوه
به هم چون ریج کرده لبر دل ترا خلد به چشمم به کار بعد از

فہرست و دیگر مضمون

مردی کس کبدر رخسایه
 جان کاش مردان شیر خوار
 بر آنکس کس کبیر و قاتلگاه
 زلفه کوم سه خط و شکر
 خط اول ز ناله شیشه در
 بس کشته شمشیر او بجا
 جو او مردی لعالم در نیامه
 باین فرمود از لفظ کوب بار
 نه بر خیر دشته خویش آگاه
 و فرمود است اس کدر خشر
 خط ثالث ز ناله کمر افشار
 او کمال را به رگاه خدا کنم

این کتاب از کتب نفیسه است
که در کتابخانه کهنه است

کتابخانه عمومی
کتابخانه عمومی
کتابخانه عمومی
کتابخانه عمومی
کتابخانه عمومی

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

سید محمد بن قاسم

ص ۵
کتابخانه دولتی
مسجد جامع

ضمیمہ دومت المصنف
انعامتہ

نزد حضرت علی علیه السلام
و بعد از آن حضرت علی علیه السلام
خداوند

محمد بن ابراهيم
ابن محمد بن احمد

برای کتب
مدرسه و کتابخانه

اگر ماند یکی دال زهره باشد / که با نوجوانی زهره باشد
 بباقی دولت از لطف الهی / مراد است حاصل آیه هر چه خوا
 اگر خواهی بیایی با من / بروی کن اگر خواهی گفت
 اگر چه ماند مرغ است زهره / بگوئی ای برادر کرد افکار
 ترا هر روز دیگر صبر بایه / ز بعد صبر اگر خواهی نشاید
 اگر باقی بماند شربت سحر دال / ز من این فک را بگو و بپایان
 بباقی دولت و شادی نعمت / و یا صبر بایه یا نعمت
 اگر باقی بماند چار نیکوست / ز حال باشد بباقی دولت ای
 مراد نوجوانی صبر بایه / و بیک صبر بایه یا نعمت
 اگر چه ماند در دست خوش قدم / همان گوشت خود را بنده ز
 چو مانده بباقی شربت سحر دال / درین حالت نفس تو سحر دال
 بباقی دولت و شادی نعمت / درین حالت نه منی چو نعمت
 قدم نه تو درین کار ای برادر / که کردی در حق نامبر اختر
 اگر باقی بماند شربت سحر دال / غم را بپایان نیز بر کرد
 شو کاش نه بپایان شربت / شوخت و چون خوش شربت دال
 ای کار

۱۱۴
 برای کارت ای صبر بایه / بباقی نوجوانی بباقی
 چو مانده شربت این شربت / ترا هر روز در آید
 ترا خوش شربت زهره / هر کلمه بی تو مانده زهره
 بگردان دل بگو بیک کار / کلی امیدت ای بار بر بار
 چو مانده شربت بیک شربت / و کرم باشد ز غم ز غم
 مرداندر شربت زهره زهره / در دست خوش صبر
 بر آنکس آید و نکند این کار / زبانش وقت جان و لعل لعل

سلام و دعا
 هر دو کلام
 لغوی و شرح

۴	۹	۷
۵	۱	۳
۶	۸	۲

اودیه میران بهت کالیر لغیر کندانی و یک مرغ و یک
 باید و یک کالیر و مرغ را در جوارح لار انداخته جوشش
 آب را علیحده را در و بر در و اندک آب که با آن لعد
 یک را در قدر روغن زرد و بر و در و یک
 می که قدر روغن در کمر انداخته به کوشیدن به هر حال قدر
 نافع مرغی به لغیر الی بر خلاف شد و شاید که اگر یک
 از ار یا بر باشد یک می که را ادر از آن است
 برالد در آن آب قدر روغن انداخته به کوشیدن به هر حال قدر
 می که کینه لغیر حق و کرد

[illegible]

بهر اسد و رنک لوز او پنهان کد قمت بی
دیکه کمر کانه و آن کانه جویا ناکد قمت بی
اکره و خوشنکد شمع کمری ارشن
و یا پردانه کانه جلا ناکد قمت بی
نجر نوار لوزی کانه کواهر ایک کوی دوی
و یا نوار لوزی کانه لک ناکد قمت بی
اکره یازدها بی لوزا نوکانه جویا نوکری
دکر هتیه روزه کانه کانه قمت بی
بجکته دیکه کمر لوزا پنهان کمر در ناکد کون
نیز کمر تقی بر او کون او پنهان کد قمت بی
کانه آن ایک کانه جویا کمری مارا مقلد
کون فوجان کون کیده بی کانه ناکد قمت بی

لوزی کانه کونه کیده بی کانه ناکد قمت بی
کونه کیده بی کانه ناکد قمت بی
کونه کیده بی کانه ناکد قمت بی

بهر اسد و رنک لوز او پنهان کد قمت بی
دیکه کمر کانه و آن کانه جویا ناکد قمت بی
اکره و خوشنکد شمع کمری ارشن
و یا پردانه کانه جلا ناکد قمت بی
نجر نوار لوزی کانه کواهر ایک کوی دوی
و یا نوار لوزی کانه لک ناکد قمت بی
اکره یازدها بی لوزا نوکانه جویا نوکری
دکر هتیه روزه کانه کانه قمت بی
بجکته دیکه کمر لوزا پنهان کمر در ناکد کون
نیز کمر تقی بر او کون او پنهان کد قمت بی
کانه آن ایک کانه جویا کمری مارا مقلد
کون فوجان کون کیده بی کانه ناکد قمت بی

بهر اسد و رنک لوز او پنهان کد قمت بی
دیکه کمر کانه و آن کانه جویا ناکد قمت بی
اکره و خوشنکد شمع کمری ارشن
و یا پردانه کانه جلا ناکد قمت بی
نجر نوار لوزی کانه کواهر ایک کوی دوی
و یا نوار لوزی کانه لک ناکد قمت بی
اکره یازدها بی لوزا نوکانه جویا نوکری
دکر هتیه روزه کانه کانه قمت بی
بجکته دیکه کمر لوزا پنهان کمر در ناکد کون
نیز کمر تقی بر او کون او پنهان کد قمت بی
کانه آن ایک کانه جویا کمری مارا مقلد
کون فوجان کون کیده بی کانه ناکد قمت بی

لوزی کانه کونه کیده بی کانه ناکد قمت بی
کونه کیده بی کانه ناکد قمت بی
کونه کیده بی کانه ناکد قمت بی

بهر اسد و رنک لوز او پنهان کد قمت بی
دیکه کمر کانه و آن کانه جویا ناکد قمت بی
اکره و خوشنکد شمع کمری ارشن
و یا پردانه کانه جلا ناکد قمت بی
نجر نوار لوزی کانه کواهر ایک کوی دوی
و یا نوار لوزی کانه لک ناکد قمت بی
اکره یازدها بی لوزا نوکانه جویا نوکری
دکر هتیه روزه کانه کانه قمت بی
بجکته دیکه کمر لوزا پنهان کمر در ناکد کون
نیز کمر تقی بر او کون او پنهان کد قمت بی
کانه آن ایک کانه جویا کمری مارا مقلد
کون فوجان کون کیده بی کانه ناکد قمت بی

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of the historical account, mentioning various figures and events.

کتابخانه کتبی خطی و چاپی
مجموعه خطی و چاپی

نورانی و نورانی

کند و در این حال که...

کمون منی بنامه کاشی منی در د رنه کوهی
 منی منی منی منی منی منی منی منی
 خاندانی که در این...

مادر	پدر	زاد	ولد
مادر	پدر	زاد	ولد

کند و در این حال که...
 منی منی منی منی منی منی منی منی
 خاندانی که در این...
 منی منی منی منی منی منی منی منی
 خاندانی که در این...
 منی منی منی منی منی منی منی منی
 خاندانی که در این...

کند و در این حال که...

کمون منی بنامه کاشی منی در د رنه کوهی
 منی منی منی منی منی منی منی منی
 خاندانی که در این...
 منی منی منی منی منی منی منی منی
 خاندانی که در این...
 منی منی منی منی منی منی منی منی
 خاندانی که در این...
 منی منی منی منی منی منی منی منی
 خاندانی که در این...

در کماله جنگ کافه جیفا لب و دانه خورده
 که بر دست پافه ملک کند خورده بخورده
 چیزی که سپیدی علی کند جایی کف و دفت افق بازماند
 خنجر بر خورده نم چه جرم است آن که نه عطل
 ضایق زلف و لعل یک جان خوی زگره کن معتبر کف
 ز بر کمر لعل مرز و دامن خورده توان لعل و لایق
 آن جبار چون کایلی بهر ایکس لایلی
 بید دیگر لایلی بهی خنجر جوشا لایق تر جبار
 مار غضب حق اکا بوجهره جبار کشته جبار جند
 جویشتن لای قنک از دهن لای قنک لای قنک
 جانا غمخاری جویا بکون لای قنک لای قنک
 دل منم با خود نم مرز و دامن جویا لای قنک
 دیکه لای قنک لای قنک لای قنک لای قنک

در کماله جنگ کافه جیفا لب و دانه خورده
 که بر دست پافه ملک کند خورده بخورده
 چیزی که سپیدی علی کند جایی کف و دفت افق بازماند
 خنجر بر خورده نم چه جرم است آن که نه عطل
 ضایق زلف و لعل یک جان خوی زگره کن معتبر کف
 ز بر کمر لعل مرز و دامن خورده توان لعل و لایق
 آن جبار چون کایلی بهر ایکس لایلی
 بید دیگر لایلی بهی خنجر جوشا لایق تر جبار
 مار غضب حق اکا بوجهره جبار کشته جبار جند
 جویشتن لای قنک از دهن لای قنک لای قنک
 جانا غمخاری جویا بکون لای قنک لای قنک
 دل منم با خود نم مرز و دامن جویا لای قنک
 دیکه لای قنک لای قنک لای قنک لای قنک

سنان پنهان است در پشته کوه
 که در آن پنهان است در پشته کوه
 که در آن پنهان است در پشته کوه
 که در آن پنهان است در پشته کوه

و عدد
 ای که گشتند سحر و جادو
 چون کون کجا جلیلی بی عیب
 ز راهی که او بر پری از آن
 که در دل جاری کون را که
 و عدد

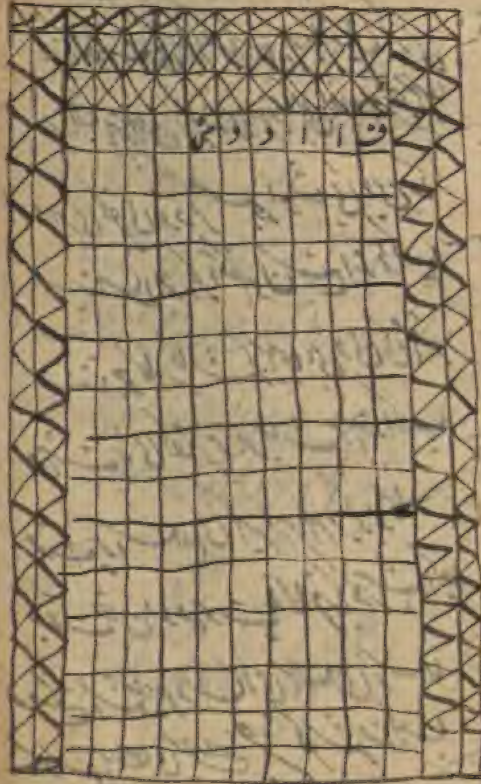
بهر غنچه‌ای که در جوی
 مو که در جوی او بر کجا
 آب او که در جوی او بر کجا
 جیب او که در جوی او بر کجا

و عدد
 فیه بانی و کون
 که در آن پنهان است در پشته کوه
 که در آن پنهان است در پشته کوه

عانی جو از آن گشت و عیب
 او که گشتند سحر و جادو
 تا آنجا که جوی او بر کجا
 که در دل جاری کون را که
 و عدد
 بهر غنچه‌ای که در جوی
 مو که در جوی او بر کجا
 آب او که در جوی او بر کجا
 جیب او که در جوی او بر کجا

که در آن پنهان است در پشته کوه
 که در آن پنهان است در پشته کوه
 که در آن پنهان است در پشته کوه
 که در آن پنهان است در پشته کوه

همی دبدب و سوس و کوا و سوس و کرم و کرم
 جن ملکیت پنهان کیا



سوس و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم
 جن ملکیت پنهان کیا
 سوس و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم
 جن ملکیت پنهان کیا
 سوس و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم
 جن ملکیت پنهان کیا
 سوس و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم
 جن ملکیت پنهان کیا

سوس و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم
 جن ملکیت پنهان کیا
 سوس و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم
 جن ملکیت پنهان کیا
 سوس و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم
 جن ملکیت پنهان کیا

جوان مرد دلدار از عیال
 کون افاضل مجتهد
 جلی جانی در نوجوانی که از آنها
 بدو کسب کمالیست
 جوان مرد کایا مقصود می
 ادبی این حسن او می
 او سیج لای اودر آید
 رسته اسکی فرزند
 که کمر و میهن او نه نور
 پیرسی در راه جوید
 جلوه که در کجا هر بند
 رنبر کون آفت
 بوجها پیر کون
 جوان پیر خوشی
 جوان مرد دانش بر رعبی
 کجا ن دانش فحالی
 سحر نونی که مرد کمال
 اندر این که جوید
 نه در دانش سحر
 ای فرزند کمال
 ای جوید

[illegible][illegible]

در هر کس که در این عالم است
 و در هر کس که در این عالم است
 و در هر کس که در این عالم است
 و در هر کس که در این عالم است

بی منت صبح آسمان را بزمی
 که هر چه بودی با کادر رخ
 که در فکر تو حاضر ضامن
 دل را بای ای بس که
 جلی را در خون خورشید
 که در پیش تو ای بس که
 در و با خجسته می میری
 جهان خواه بر آسمان دگر
 فدای خفت بر می بوی
 و در این دل خنجر دگر
 سخت کین من که در کف
 در هر کس که در این عالم است

حبیب ناز

عجب ناز در کمر
 سخن گفتن با جان
 و کینه مولای در او
 صفا در اندر مرغان
 من که نهی ای بس که
 اگر در کس که در این عالم است
 خدا را جان می بوی
 که در می بوی
 جوان که در کس که در این عالم است
 غرض که نهی ای بس که
 قد ای بس که در کس که در این عالم است

حبیب ناز
 در هر کس که در این عالم است
 و در هر کس که در این عالم است
 و در هر کس که در این عالم است
 و در هر کس که در این عالم است

۳۴۲ منوای بر بزم
 ۳۴۳ ای خرم و خرام خرم و خرم
 ۳۴۴ برای دینکین بنوای بر بزم و کار ناسر نامور خرم
 ۳۴۵ ای خرم و دل داری امید خرم بر لبه حاکم جبار
 ۳۴۶ برای خرم و دل داری امید خرم خرم
 ۳۴۷ ای خرم و دل داری امید خرم خرم
 ۳۴۸ ای خرم و دل داری امید خرم خرم
 ۳۴۹ ای خرم و دل داری امید خرم خرم
 ۳۵۰ ای خرم و دل داری امید خرم خرم
 ۳۵۱ ای خرم و دل داری امید خرم خرم
 ۳۵۲ ای خرم و دل داری امید خرم خرم
 ۳۵۳ ای خرم و دل داری امید خرم خرم
 ۳۵۴ ای خرم و دل داری امید خرم خرم
 ۳۵۵ ای خرم و دل داری امید خرم خرم
 ۳۵۶ ای خرم و دل داری امید خرم خرم
 ۳۵۷ ای خرم و دل داری امید خرم خرم
 ۳۵۸ ای خرم و دل داری امید خرم خرم
 ۳۵۹ ای خرم و دل داری امید خرم خرم
 ۳۶۰ ای خرم و دل داری امید خرم خرم

۳۶۱ ای خرم و دل داری امید خرم خرم
 ۳۶۲ ای خرم و دل داری امید خرم خرم
 ۳۶۳ ای خرم و دل داری امید خرم خرم
 ۳۶۴ ای خرم و دل داری امید خرم خرم
 ۳۶۵ ای خرم و دل داری امید خرم خرم
 ۳۶۶ ای خرم و دل داری امید خرم خرم
 ۳۶۷ ای خرم و دل داری امید خرم خرم
 ۳۶۸ ای خرم و دل داری امید خرم خرم
 ۳۶۹ ای خرم و دل داری امید خرم خرم
 ۳۷۰ ای خرم و دل داری امید خرم خرم
 ۳۷۱ ای خرم و دل داری امید خرم خرم
 ۳۷۲ ای خرم و دل داری امید خرم خرم
 ۳۷۳ ای خرم و دل داری امید خرم خرم
 ۳۷۴ ای خرم و دل داری امید خرم خرم
 ۳۷۵ ای خرم و دل داری امید خرم خرم
 ۳۷۶ ای خرم و دل داری امید خرم خرم
 ۳۷۷ ای خرم و دل داری امید خرم خرم
 ۳۷۸ ای خرم و دل داری امید خرم خرم
 ۳۷۹ ای خرم و دل داری امید خرم خرم
 ۳۸۰ ای خرم و دل داری امید خرم خرم

۳۱۲ ماف معول است در وقت خواب کرده افغانی خورشید است
 ۳۱۳ بیشتر لعل لب که گفت الحال خیری خیر است که با بهی و خورشید
 ۳۱۴ برای یقین ز فکر دل داری از افغانی خواب برده
 ۳۱۵ برای فکر دل از افغانی بهی با بهی و خواب و خورشید
 ۳۱۶ برای برآمدن مقصد امیدارشی بیک حرکت است که در وقت خواب
 ۳۱۷ نتیجه آمدن دل داری از افغانی خواب کرده بیک حرکت که در وقت خواب
 ۳۱۸ برای یقین از لب لعل که کشیدی بیک حرکت که در وقت خواب
 ۳۱۹ برای مقصد بیشتر فکر نمودی از افغانی آمدن خواب برده
 ۳۲۰ بیشتر خواب لعل که گفت الحال خیری خواب و لب لعل است خواب
 ۳۲۱ برای فکر دل از افغانی خواب کرده بیک حرکت که در وقت خواب
 ۳۲۲ بیشتر لعل لب که کشیدی بیک حرکت که در وقت خواب
 ۳۲۳ نتیجه آمدن دل داری از افغانی خواب کرده بیک حرکت که در وقت خواب
 ۳۲۴ برای یقین از لب لعل که کشیدی بیک حرکت که در وقت خواب
 ۳۲۵ بیشتر خواب لعل که گفت الحال خیری خواب و لب لعل است خواب

۳۱۲ ز رزق را بکشد در آن وقت خواب کرده افغانی خواب
 ۳۱۳ در زمان و در آن وقت خواب کرده افغانی خواب
 ۳۱۴ خبری است برای آن فکر نمودن ز فکر دل داری از افغانی خواب
 ۳۱۵ خبری است خواب و خواب و خواب و خواب و خواب و خواب
 ۳۱۶ افغانی خواب کرده بیک حرکت که در وقت خواب
 ۳۱۷ دل فکری از فکر دل داری از افغانی خواب کرده بیک حرکت که در وقت خواب
 ۳۱۸ فکر نمودن ز فکر دل داری از افغانی خواب کرده بیک حرکت که در وقت خواب
 ۳۱۹ برای یقین ز فکر دل داری از افغانی خواب کرده بیک حرکت که در وقت خواب
 ۳۲۰ نتیجه آمدن دل داری از افغانی خواب کرده بیک حرکت که در وقت خواب

خواب و خواب و خواب و خواب و خواب و خواب
 خواب و خواب و خواب و خواب و خواب و خواب

اگر کسی دعا کند باطل گشود

